



## A study of realist and naturalistic components in the works of Khaled Hosseini: A review of Kite Runner and A Thousand Splendid Suns

Abdolali Oveisi <sup>1\*</sup> | Akram Arefi <sup>2</sup>

1. Corresponding Author, Associate Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Balouchestan, Sistan and Balouchestan, Iran. Email: [abdolalioveisi@yahoo.com](mailto:abdolalioveisi@yahoo.com)
2. Ph.D student of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Balouchestan, Sistan and Balouchestan, Iran. Email: [akram\\_arefi@yahoo.com](mailto:akram_arefi@yahoo.com)

---

### Article Info

### ABSTRACT

**Article type:**  
Research Article

**Article history:**  
Received: 09/07/2021  
Received in revised form:  
14/12/2021  
Accepted: 15/01/2022

**Keywords:**  
Khaled Hosseini,  
naturalism,  
realism,  
Kite Runner,  
a Thousand Splendid  
Suns.

The Kite Runner and A Thousand Splendid Suns have been written by The Afghan-American author, "Khaled Hosseini" in 2003 and 2007, respectively. In his work, political, social and cultural situation of Afghanistan are of utmost importance, and the themes of friendship and family relations, love and betrayal, courage and fear, war and rape and migration are highlighted. In addition to using strong realistic components such as expressing social and historical facts, typical characterization, detailed description of personalities and environments, naturalistic components such as disaster and ugliness, inheritance and environment algebra, sexual issues, and the use of characters Static and passive naturalism have also been noticed. It is also noteworthy that, in both novels, betrayal and rape are the two themes that are initially presented. Concerns such as civil and foreign wars and ethnic strife are a part of Afghanistan's history. The first novel, therefore, is realistic, however, the author's focus on these issues and ignoring other aspects of life, escaping the problems for which no solution is provided, taking refuge in the safe haven of the West, strengthens the naturalistic aspect of this novel. The most important reason for the presence of naturalistic components in such novels is the unsettled political situation of Afghanistan in the time period of the story. In the second novel, with the war ending and Afghanistan reviving, the element of hope is evident. Considering the historical background of Afghanistan, it is assumed that, despite the naturalistic aspects, a strong realist dimension is still remained in Khaled Hosseini's work.

---

**Cite this article:** Oveisi, A. & Arefi, A. (2023). A study of realist and naturalistic components in the works of Khaled Hosseini: A review of Kite Runner and A Thousand Splendid Suns. *Research Journal in Narrative Literature*, 12(2), 31-54.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: 10.22126/rp.2022.6546.1377

---



## بررسی ویژگی‌های رئالیستی و ناتورالیستی در آثار خالد حسینی با تکیه بر دو رمان بادبادک‌باز و هزار خورشید تابان

عبدالعلی اویسی کهخا<sup>۱\*</sup> | اکرم عارفی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران. رایانامه: [abdolalioveisi@yahoo.com](mailto:abdolalioveisi@yahoo.com)
۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران. رایانامه: [akram\\_arefi@yahoo.com](mailto:akram_arefi@yahoo.com)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

#### نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

#### واژه‌های کلیدی:

خالد حسینی،  
ناتورالیسم،  
رئالیسم،  
بادبادک‌باز،  
هزار خورشید تابان.

خالد حسینی، نویسنده افغان - آمریکایی، در سال ۲۰۰۳ با نگارش *بادبادک‌باز* به دنیای نویسندگان موفق رمان وارد شد و در سال ۲۰۰۷ دومین اثرش، *هزار خورشید تابان*، به چاپ رسید. او با توجه به وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افغانستان و آمیختن آن با مضامین داستانی چون دوستی و روابط احساسی خانوادگی، عشق و خیانت، شجاعت و ترس، جنگ و تجاوز و مهاجرت، به رمان‌نویسی پرداخته است. خالد حسینی در کنار استفاده از مؤلفه‌های قوی رئالیستی همچون بیان واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی، شخصیت‌سازی نوعی، توصیف دقیق شخصیت و محیط و تشریح جزئیات، به مؤلفه‌های ناتورالیستی مانند تشریح فجایع و تمرکز بر زشتی‌ها، جبر توارث و محیط، مسائل جنسی و استفاده از شخصیت‌های ناتورالیستی ایستا و منفعل نیز توجه داشته است. در هر دو رمان خیانت و تجاوز جنسی نقطه آغازین و محوری است. موضوعاتی چون جنگ‌های داخلی و خارجی و اختلافات قومی، بخشی از تاریخ افغانستان است و از این جهات رمان‌های او جنبه رئالیستی دارد؛ اما تمرکز نویسنده بر این موضوعات و نادیده گرفتن جنبه‌های دیگر زندگی و فرار از مشکلاتی که هیچ راه‌حلی برایشان متصور نیست و پناه‌بردن به دامن امن غرب در تقویت جنبه ناتورالیستی رمان تأثیر دارد. مهم‌ترین دلیل حضور مؤلفه‌های ناتورالیسم در این رمان وضعیت نابه‌سامان سیاسی و اجتماعی افغانستان در بازه زمانی داستان است. در رمان دوم، با تمام‌شدن جنگ، روزنه‌هایی از امید را می‌توان دید. توجه به واقعیت‌های تاریخی افغانستان این باور را تقویت می‌کند که با وجود جنبه‌های ناتورالیستی در آثار خالد حسینی، بُعد قوی رئالیستی همچنان در اولویت قرار دارد.

**استناد:** اویسی کهخا، عبدالعلی و عارفی، اکرم (۱۴۰۲). بررسی ویژگی‌های رئالیستی و ناتورالیستی در آثار خالد حسینی با تکیه بر دو رمان بادبادک‌باز و هزار خورشید تابان. *پژوهشنامه ادبیات داستانی*، ۱۲(۲)، ۳۱-۵۴.



حق مؤلف © نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه رازی

### ۱. پیشگفتار

خالد حسینی نویسنده افغان-آمریکایی، رمان‌های *بادبادک‌باز* (۲۰۰۳) و *هزار خورشید تابان* (۲۰۰۷) را به زبان انگلیسی نوشته و افتخارات زیادی کسب کرده‌است؛ از جمله در سال ۲۰۰۴ جایزه انتشارات اکسکلوسیو آفریقای جنوبی برای رمان *بادبادک‌باز* (Exclusive, 2004) و برای رمان *هزار خورشید تابان*، در سال ۲۰۰۷ جایزه مدال نقره‌ای کتاب کالیفرنیا (Silver, 2008)، در سال ۲۰۰۸ جایزه کتاب بریتانیا (British, 2008)، در سال ۲۰۰۸ جایزه کتاب سال انجمن ناشران آمریکا (Sense, 2008)، در سال ۲۰۰۸ جایزه بشقاب طلایی آمریکا (Golden Plate, 2008) و در سال ۲۰۱۳ جایزه بهترین کتاب منتخب خوانندگان در آمریکا (Choice, 2013) را دریافت کرده‌است.

ساخت فیلم سینمایی از ماجرای رمان‌ها در آمریکا و کشورهای دیگر و فروش شگفت‌انگیز و ترجمه به زبان‌های مختلف از دیگر افتخارات این رمان‌هاست (Haseeni, 2021). در این رمان‌ها وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افغانستان در دوره‌ای پنجاه‌ساله، از دوره ظاهرشاه تا حمله طالبان، با مضامین داستانی؛ چون دوستی، رابطه والدین و فرزندان، عشق، شجاعت، برادری، خشونت، جنگ، تجاوز، مهاجرت و زندگی در غربت آمیخته است. ادبیات در انجام وظایف تازه‌ای که زندگی نو در هر کشور بر عهده آن گذاشته است، نقش بزرگی دارد. اگر ادبیات این نقش را بر عهده بگیرد، نه تنها لازم است افکار فلسفی و سیاسی نویسندگان تغییر کند، بلکه همه عواطف آدمی باید دگرگون شود. ادبیات رئالیستی می‌تواند به نحو تمریخی به مردم آموزش دهد و افکار عمومی را دگرگون سازد (لوکاچ، ۱۳۷۳: ۲۲). خالد حسینی با آفرینش رمان‌هایی رئالیستی از جامعه افغانستان، به خوبی این رسالت را بر عهده گرفته است؛ اما واقعیت این است که «آثار رئالیستی در جوامع فقیرزده و بدبخت، خودبه‌خود جنبه ناتورالیستی می‌یابند» (شمیسا، ۱۳۹۸: ۹۹). افغانستان که مکان روایت رمان‌های حسینی است، با تبعیضات جنسی و نژادی و دیگر مشکلات فرهنگی، خشونت و جنگ‌های متعدد و فقر، زمینه‌ساز گرایش داستان‌های واقع‌گرایانه حسینی به ناتورالیسم است.

### ۱-۱. ضرورت، اهمیت و هدف

خالد حسینی در رمان‌هایش داستان‌هایی را روایت می‌کنند که دربردارنده جنجال‌های بزرگ قرن حاضر است. بررسی مکتب ادبی این داستان‌ها میزان وفاداری نویسنده به رئالیسم و میزان گرایش وی به ناتورالیسم را آشکار می‌کند. حسینی در بجهوه وقایع سیاسی-تاریخی و نابسامانی‌های اجتماعی، واقعیت تلخ و سیاه جامعه‌ای را بر قلم رانده است که یکی از سخت‌ترین دوران تاریخ چند هزار ساله‌اش

را سپری می‌کند. بخشی از جذابیت و موفقیت جهانی او مرهون ادبیات رئالیستی همراه با مؤلفه‌های ناتورالیستی است. تاکنون مکتب ادبی رمان‌های این نویسنده بررسی نشده است و در دیدی کلی، به سبب طرح موضوعات تاریخی، بدون بررسی دقیق و اثبات آن، آثار او رئالیستی شناخته شده و به جنبه‌های ناتورالیستی آن‌ها دقت نشده است. به‌طور کلی ادبیات افغانستان مغفول مانده، به‌ویژه در ادبیات داستانی تحقیقات اندکی انجام شده است. در همین راستا هدف این پژوهش آشنایی بیشتر با نویسنده توانمند افغان و شناخت مکتب ادبی اوست.

از قدیمی‌ترین کتاب‌های فارسی در مکاتب ادبی می‌توان به کتاب پرهام با نام مستعار دکتر میترا (۱۳۵۳) با عنوان *رئالیسم و ضد رئالیسم* اشاره کرد. همچنین کتاب *آشنایی با مکتب‌های ادبی* (ثروت، ۱۳۸۵) و *داستان کوتاه در ایران؛ داستان‌های رئالیستی و ناتورالیستی* (پاینده، ۱۳۸۹)، از کتاب‌هایی هستند که به‌طور خاص به این دو مکتب ادبی پرداخته‌اند؛ اما اثری که در این زمینه مأخذ اصلی بیشتر آثار پس از خود بوده است، کتاب *سید حسینی* (۱۳۹۸) با عنوان *مکتب‌های ادبی* است.

از اولین پایان‌نامه‌ها در بررسی ناتورالیسم در آثار ادبی، «ناتورالیسم (طبیعت‌گرایی) در آثار چوبک، *اونیل و لندن؛ تحقیقی مقایسه‌ای*» (میثاقی، ۱۳۵۴) قابل ذکر است. در سال‌های اخیر بررسی مکتب رئالیسم و ناتورالیسم در رمان شایان توجه محققان بوده است؛ از جمله: فتوحی رودمعجنی و صادقی (۱۳۹۲) در مقاله «شکل‌گیری رئالیسم در داستان‌نویسی ایرانی» دربارهٔ زمینه‌های شکل‌گیری رمان رئالیستی فارسی از دوران مشروطیت تحقیق کرده‌اند. در ناتورالیسم نیز آثار نویسندگان بزرگی همچون صادق چوبک مورد توجه محققان بوده است. برای نمونه می‌توان به پژوهش سرانجام و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «درهم‌تنیدگی ناتورالیسم و «نیستی‌انگاری» (نهیلیسم) در آثار داستانی صادق چوبک» اشاره کرد.

آثار خالد حسینی فقط از جنبهٔ جامعه‌شناختی و اجتماعی-سیاسی بررسی شده‌اند: نوروزی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی شخصیت در رمان *بادبادک‌باز*»، تأثیر عوامل جامعه‌شناختی را در شکل‌گیری شخصیت‌ها بررسی کرده‌اند. همچنین معبودی و مؤذنی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «نقد اجتماعی-سیاسی رمان *بادبادک‌باز* به روش ساخت‌گرایی گلدمن»، با بررسی مسائل اجتماعی و سیاسی به نتایجی چون نبود آمادگی و زیرساخت‌های کافی برای پذیرش نظام جمهوری از جانب افغان‌ها دست یافته‌اند و زینی‌وند و مرتضایی (۱۳۹۵) در مقاله «بازتاب شرایط اجتماعی زنان افغانستان در رمان *هزار خورشید باشکوه*» به مسائل و مشکلات زنان افغانستان در رمان

هزار خورشید تابان پرداخته‌اند؛ اما در بررسی مکتب ادبی آثار خالد حسینی و مقایسه آن‌ها پژوهش مستقلی دیده نشد.

## ۱-۲. سؤالات پژوهش

فرضیه پژوهش حاضر بر این اساس استوار است که رمان‌های خالد حسینی رئالیستی است؛ ولی با وجود جنبه‌های انکارناپذیر رئالیستی، مؤلفه‌های ناتورالیستی در آن‌ها به وفور دیده می‌شود. در این جستار در صدد پاسخ‌گویی به این سؤالات هستیم:

۱. مهم‌ترین مؤلفه‌های رئالیستی و کارکردهای آن در دو کتاب *بادبادک‌باز* و *هزار خورشید تابان* چیست؟

۲. مهم‌ترین ویژگی‌های ناتورالیستی به کار رفته در آثار خالد حسینی چیست؟

۳. در *بادبادک‌باز* و *هزار خورشید تابان* چه شباهت‌ها و تفاوت‌های بارزی وجود دارد؟

۴. مکتب ادبی خالد حسینی به رئالیسم نزدیک‌تر است یا ناتورالیسم؟

## ۱-۳. روش پژوهش و چارچوب نظری

پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. نخست، آثار خالد حسینی و کتاب‌های معتبر مکاتب ادبی مطالعه شده است، سپس با یافتن گرایش نویسنده، اصول مکاتب رئالیسم و ناتورالیسم خلاصه‌وار بیان شده و با تکیه بر کلیات و در نظر گرفتن فرضیه پژوهش، مؤلفه‌های این دو مکتب در دو رمان او بررسی شده است. از آن‌جاکه در این جستار رمان *بادبادک‌باز* و *هزار خورشید تابان* بر اساس مکاتب ادبی رئالیسم و ناتورالیسم نقد و بررسی می‌شود، پیش از هرگونه تحلیلی، آشنایی اجمالی با این دو مکتب ضروری است.

### ۱-۳-۱. رئالیسم

«Realisme مشتق از واژه reel است که در قرن ششم وارد زبان فرانسه شد. Reel از واژه لاتینی قرون وسطایی realis گرفته شده است» (کهنویی‌پور و دیگران، ۱۳۸۱: ۷۰۰). گرانت (۱۳۷۵: ۵۶) ریشه لغوی این واژه را res به معنی "چیز" می‌داند. «رئالیسم اصطلاحی است که از فلسفه به حوزه نقد راه پیدا کرده است» (همان: ۱۴). سبکی در ادبیات که اشیا و افراد را همان‌گونه که در زندگی واقعی هستند و بسیار شبیه به زندگی واقعی نشان می‌دهد<sup>۱</sup>. از زمان شکل‌گیری رئالیسم در نظریه‌ها و

1. Oxford Dictionary, Headword: "Real"

اندیشه‌های فلسفی افلاطون و ارسطو و ظهور دیرهنگام آن در عرصه ادبیات، مفهوم آن همواره دستخوش تحولات اساسی بوده است (علوی، ۱۳۸۲: ۸۳). در عرف خاص، رئالیسم به گرایشی هنری اطلاق می‌شود که در قرن نوزدهم پدید آمد و هدفش دریافت و درک واقعیت بود (کهنویی پور و دیگران، ۱۳۸۱: ۷۰۲). خاستگاه این مکتب ادبی فرانسه است. شانفلوری از پایه‌گذاران این مکتب در اولین نوشته‌های خود نام و قواعد آن را به‌میان آورد و همه اشکال و انواع نویسندگی را که تا آن زمان وجود داشت انکار کرد (سیدحسینی، ۱۳۹۸: ۲۸۳). رئالیسم با فلوربر و رمان *مادام بواری* به اوج عظمت خود دست یافت (کهنویی پور و دیگران، ۱۳۸۱: ۷۰۴). در این مکتب نویسندگان بزرگی در کشورهای مختلف ظهور کردند؛ برای مثال، در فرانسه بالزاک با کتاب معروف *کمدمی انسانی* از بسیاری جهات اولین رمان‌نویس واقعاً مدرن محسوب می‌شد (فردریش و هنری ملون، ۱۳۸۸: ۷۱۹).

رئالیسم به مسائل اجتماعی توجه دارد و اخلاق جامعه‌گرا در آن بارز است. هدف ادبیات رئالیستی جستجو و تحلیل واقعیت پدیده‌های طبیعی و اجتماعی به‌مثابه حلقه‌های زنجیر است. نویسنده رئالیسم حوادث و صفات بشری را همانند سیر تکاملی در نظر می‌گیرد که در آن تضاد و همبستگی عوامل سازنده حیات اجتماعی است (پرهام، ۱۳۵۳: ۳۲-۳۳). رئالیسم راستین و بزرگ انسان و جامعه را مانند هستی یک‌پارچه‌ای نشان می‌دهد و موهبت خصوصیات زندگی مستقل را با روابط انسانی کامل می‌داند (لوکاج، ۱۳۷۳: ۸).

*«ادبیات رئالیستی طبعاً موضوع خود را جامعه معاصر و ساخت و مسائل آن قرار می‌دهد؛ یعنی چنین جامعه‌ای وجود دارد و اثر ادبی را مجبور می‌سازد که به بیان و تحلیل آن بپردازد»* (سیدحسینی، ۱۳۹۸: ۲۹۰).

از این رو توصیف انسان به‌صورت موجودی اجتماعی مهم‌ترین خصوصیت آن است. در واقع رئالیسم ریشه رفتار آدمی را در شرایط اجتماعی می‌جوید و خصوصیات و نتایج اجتماعی حوادث روزانه و خصوصیات آدم‌هایی را که با این حوادث روبه‌رو می‌شوند، اساس کار خود قرار می‌دهند (پرهام، ۱۳۵۳: ۳۵-۳۶)؛ به همین دلیل است که قهرمان در این آثار از میان مردم عادی و از هر محیطی است (سیدحسینی، ۱۳۹۸: ۲۹۸). به‌طور خلاصه توجه به واقعیت، توجه به اجتماع معاصر، توجه به جزئیات و تشریح آن‌ها، تیپ‌سازی، انتخاب قهرمان داستان از افراد عادی و توجه به تاریخ و جامعه را می‌توان از مهم‌ترین اصول و مشخصات رئالیسم دانست (شمیسا، ۱۳۹۸: ۸۴-۸۶).

## ۱-۳-۲. ناتورالیسم

ناتورالیسم<sup>۱</sup> مکتب هنری یا ادبی است که اشیا و تجربیات را همان گونه که در طبیعت هستند نشان می‌دهد و برطبق این نظریه همه چیز در جهان و زندگی بر قوانین طبیعی بنا می‌شود، نه قوانین فراطبیعی و معنوی در فلسفه قدیم، ماده‌گرایی و لذت‌جویی و هرگونه دین‌گریزی را در بر می‌گرفت. معنی اصلی آن تا قرن‌ها همین بود. در فلسفه ناتورالیسم قرن هجدهم که پرداخته اولباک اندیشمند فرانسوی بود، انسان صرفاً ساکن جهانی قابل درک و تهی از نیروهای متعالی و ماورای طبیعی یا الهی در نظر گرفته می‌شد (فورست و اسکرین، ۱۳۷۵: ۱۱). در نیمه دوم قرن نوزدهم، ایمیل زولا در کتاب *داستان تجربی* مبادی این مکتب را بنا نهاد (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۴۵۷). زولا تعریف روشنی از ناتورالیسم به دست نداد و منتقدان این اصطلاح را با رئالیسم، مترادف یا دست کم در کنار هم به کار بردند و از تشخیص این دو ناتوان بودند (فورست و اسکرین، ۱۳۷۵: ۱۵). او تلاش کرد روش‌های علوم طبیعی را به ادبیات وارد کند و از دستاوردها و اطلاعات تازه این علوم بهره‌برد. به کار بردن این روش ایجاب می‌کند که دنیای اخلاقی به صورت مادی و ماشینی ادراک شود و دنیای بشری تابع همان جبری باشد که بر موجودات حکم فرماست (سیدحسینی، ۱۳۹۸: ۴۲۰).

*«نویسنده ناتورالیست... در رمان خود که مبتنی بر استدلالی دقیق است، باید با بی‌طرفی کامل و بدون آن‌که احساسات خود را دخالت دهد، پدیده‌های معین را مشاهده کند و از آن‌ها نتیجه قطعی استخراج کند. از جمله مسائلی که آزمایش‌های نویسنده باید بدان‌ها وفادار بماند قانون وراثت است. برطبق این قانون سرنوشت انسان با دو عامل محیط و وراثت ارتباطی ناگزیر دارد» (داد، ۱۳۸۵: ذیل واژه «ناتورالیسم»).*

اعتقاد راسخ و اصرار بر تأثیر وراثت در وضع روحی اشخاص کمابیش در همه ناتورالیست‌ها مشترک است (فورست و اسکرین، ۱۳۷۵: ۲۶؛ سیدحسینی، ۱۳۹۸: ۴۲۱). انتقاد از آثار ناتورالیستی به سبب طرح مسائل جنسی و افراط در نشان دادن زشتی‌ها و واقعیات سطحی جامعه رواج داشته است (شمیسا، ۱۳۹۸: ۱۰۴).

*«رئالیسم با ناتورالیسم تفاوت دارد؛ ولی مستقل از آن نیست. وجه مشترک رئالیست‌ها و ناتورالیست‌ها این باور بنیادین است که هنر اساساً عبارت است از بازنمایی عینی و تقلیدی واقعیت خارجی» (فورست و اسکرین، ۱۳۷۵: ۱۶).*

1. Oxford Dictionary, Headword: "Natural"

به نظر لو کاج (۱۳۷۳: ۷) اهم ویژگی‌های نویسنده ناتورالیستی که آن را از نویسنده رئالیستی متمایز می‌کند عبارت است از: ۱- به جای توصیف خصوصیات انسانی و اجتماعی زندگی روزانه به توصیف جزئیات درجه دوم می‌پردازد؛ ۲- سیر تکاملی واقعیت را برای یافتن روابط آشکار اجتماعی تجزیه و تحلیل نمی‌کند و هنر او عکاسی محض از زندگی اجتماعی خالی از تحول و تحرک است؛ ۳- مشتاقانه و مبالغه‌آمیز زشتی‌ها را تشریح می‌کند و نمی‌تواند با اجتماع فاسد و رنج کشیده همدردی کند؛ ۴- همه چیز را زاده جبر توارث و شرایط معین طبیعت و جامعه می‌بیند؛ بنابراین نمی‌تواند به دنیای بهتر از واقعیت موجود راه پیدا کند (ثروت، ۱۳۸۵: ۱۵۱-۱۵۳). پاینده (۱۳۸۹: ۳۰۷) مهم‌ترین درون‌مایه‌های داستان‌های ناتورالیستی را دشواری بقاء، حیوانی‌بودن طبع انسان، جبر زیست‌شناختی، جبر وارث و محیط، ناکارآمدی اراده فردی در مقابل سازگار طبیعی جهان می‌داند.

## ۲. پردازش تحلیلی موضوع

### ۲-۱. موضوع رمان بادبادک‌باز

امیر ۳۸ ساله، ماجرای زندگی خود را از ۱۲ سالگی‌اش که افغانستان در آرامش بود، روایت می‌کند. او با حسن، پسر خدمتکارشان، ماجراهای فراوانی چون رقابت، حسادت، ایثار و خیانت را تجربه می‌کند و بزدلانه شاهد تجاوز جنسی آصف به حسن است. امیر پس از سال‌ها به راز محبوبیت حسن نزد پدرش پی‌می‌برد. حسن برادر ناتنی امیر از رابطه نامشروع پدرش با زن خدمتکار است. در پایان داستان بعد از سال‌ها جنگ، جنایت، کشتار و مهاجرت، امیر که نویسنده‌ای ساکن آمریکاست برای نجات سهراب، پسر حسن، به افغانستان بازمی‌گردد و در ماجرای متهورانه برادرزاده خود را از محنت اسارت و آزار جنسی طالبان نجات می‌دهد. سهراب خردسال از شرم آنچه طالبان با او کرده‌اند به خودکشی نافرجامی دست می‌زند. سرانجام آن دو از میان نکتب حاکم بر افغانستان به امنیت غرب پناه می‌برند (حسینی، ۱۳۹۶).

### ۲-۲. موضوع رمان هزار خورشید تابان

این رمان ماجرای زندگی مریم و لیلا در بستر حوادث سال‌های ۱۹۵۹ تا ۲۰۰۳ افغانستان است. ارباب تاجیک خانه به مستخدمه خود تجاوز می‌کند و مریم فرزند نامشروع این تجاوز است. مریم غرق در حقارت و انزوا به پانزده سالگی می‌رسد و پس از خودکشی مادرش، به اجبار تن به ازدواج با مردی پشتون می‌دهد. روز حمله ارتش سرخ به افغانستان، لیلا در خانواده‌ای فرهیخته متولد می‌شود. زندگی او تحت تأثیر حمله شوروی به افغانستان و جنگ‌های داخلی به تباهی می‌گراید. از دوست و معشوقش جدا



می‌شود و بعد از کشته‌شدن همه اعضای خانواده‌اش ناچار با شوهر مریم ازدواج می‌کند، درحالی‌که از معشوق خود فرزندی نامشروع در شکم دارد. وحشی‌گری و خشونت شوهر با دو همسرش، مریم را وادار به قتل شوهر می‌کند. مریم زندانی و اعدام می‌شود. لیلای بیوه با معشوقش ازدواج می‌کند و به پاکستان می‌گریزند. آن‌ها پس از آزادی افغانستان از ظلم طالبان برای سازندگی به وطن بازمی‌گردند (حسینی، ۱۳۹۷).

## ۲-۳. مؤلفه‌های رئالیستی در *بادبادک‌باز* و *هزارخورشید تابان*

### ۲-۳-۱. واقعیت‌های اجتماعی

توجه به مسائل اجتماعی و رابطه انسان و جامعه، از بارزترین ویژگی‌های رمان‌های خالد حسینی است. «رمان‌های نویسندگان رئالیست بیشتر شرح و تحلیل شهرها و محله‌های سرزمین خودشان را در بر دارد» (سیدحسینی، ۱۳۹۸: ۲۸۸). اگرچه خالد حسینی سال‌ها خارج از افغانستان زندگی کرده، دوران کودکی خود را در وطن گذرانده است و همچون قهرمانان داستان‌هایش، واقعیت زندگی در افغانستان را از نزدیک دیده است. او سنت‌ها و آیین‌های اجتماعی را به‌دقت تشریح می‌کند؛ برای مثال، به مسابقات بزکشی که «از بازی‌های ملی مردم افغانستان به‌شمار می‌رود» (عابدوف، ۱۳۹۵: ۱۸۵)، اشاره می‌کند (ب: ۲۱۸)<sup>۱</sup> و آن را توضیح می‌دهد: «مسابقات سالیانه بزکشی که هر سال در اولین روز بهار برگزار می‌شود... هنوز هم یکی از علائق ملت افغانستان است...» (الف: ۲۴). او مراسم ازدواج (ب: ۱۴ و ۵۵)، تعزیه (ب: ۱۳۱) و اعیاد مذهبی مانند عید قربان (الف: ۸۶)، ماه رمضان و عید فطر (ب: ۷۷ و ۷۹) و نمادهای باستانی مانند مجسمه‌های بودا (ب: ۱۳۹) را نیز از نظر دور نمی‌دارد.

حسینی به‌جز آیین‌های مذهبی و باستانی، از مسائل اجتماعی و اقتصادی دیگر که در پی تغییرات سیاسی رخ می‌دهد، به‌وفور نوشته است؛ برای مثال، از فضای شاد و پرامید کشور پس از تشکیل حکومت جمهوری می‌نویسد و این که «مردم از حقوق زنان و تکنولوژی مدرن دم می‌زدند» (الف: ۴۹)؛ اما در حکومت طالبان «زن‌ها می‌بایست آزادی‌هایی که در سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۲ داشتند، فراموش می‌کردند» (ب: ۲۴۶). در این دوره قوانینی سخت ضد زن و نافی آزادی بر اجتماع حاکم بود. بازگوکردن مسائل اجتماعی در گفت‌وگوی شخصیت‌های داستان جریان دارد.

۱. در این مقاله برای اختصار در ارجاع‌دهی به شاهد مثال‌های رمان‌ها، برای رمان «بادبادک‌باز» از حرف «الف» و برای رمان «هزار خورشید تابان» از حرف «ب» استفاده شده است.

## ۲-۳-۲. واقعیت‌های تاریخی

تاریخ، الهام‌بخش آثار رئالیستی متعددی است (سیدحسینی، ۱۳۹۸: ۲۸۸). یکی از ویژگی‌های بارز آثار خالد حسینی بیان وقایع تاریخی است و از این حیث با کتاب‌های تاریخی برابری می‌کند. سال ۱۹۷۸ کودتای نظامی و سپردن دولت به حزب دموکرات، ۱۹۷۹ جنگ داخلی و ورود سربازان شوروی، ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹ متلاشی شدن ارتش افغانستان و متشنج شدن مرزها (هی‌من، ۱۳۶۴: ۲۳۳-۲۳۴) و پذیرش قرارداد ژنو، ۱۹۸۹ دخالت آمریکا برای تضعیف ارتش شوروی و خروج آن‌ها، ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ جنگ‌های داخلی و پیروزی نجیب‌الله بر مجاهدین، ۱۹۹۲ ورود مجاهدین به کابل و تداوم جنگ‌های داخلی (علیزاده‌موسوی، ۱۳۸۱: ۹۲-۹۳)، ۱۹۹۴ حمله موشکی حکمت یار بر ضد ربانی و ظهور طالبان (کورنال، ۱۳۸۳: ۵۴-۵۷)، ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱ قدرت گرفتن و ادامه افراط‌گرایی طالبان، ۲۰۰۱ دخالت آمریکا و شکست طالبان، ۲۰۰۲ ایجاد دولت ائتلافی و حمایت جهانی برای تثبیت موقعیت در افغانستان (همان: ۵۷-۶۶).

خالد حسینی در هر دو اثرش این وقایع تاریخی را با داستان می‌آمیزد. از کودتای کمونیست‌ها در ۱۹۷۸ و شروع جنگ در خیابان‌های کابل (الف: ۴۰-۴۱؛ ب: ۹۴) که مصادف با تولد لیلا بود (ب: ۱۰۶) و پذیرش قرارداد ژنو در ۱۹۸۸ (الف: ۲۰۲؛ ب: ۱۴۵) تا فروپاشی شوروی و سقوط حکومت نجیب‌الله در افغانستان ۱۹۹۲ (الف: ۲۰۴ و ۲۶۹؛ ب: ۱۵۰-۱۵۱) و تشکیل حکومت مجاهدین در آوریل همان سال که منجر به تشکیل دولت اسلامی افغانستان شد (الف: ۲۲۰؛ ب: ۲۴۶) و در فاصله سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ که طالبان قدرت گرفتند و شهرهای افغانستان را تصرف کردند (الف: ۲۳۴-۲۳۵ و ۲۶۹؛ ب: ۲۶۰-۲۷۱) و ادامه سلطه طالبان ۱۹۹۷ و تولد کودک لیلا در سپتامبر همان سال (ب: ۲۷۲) و بیرون‌راندن طالبان از همه شهرهای بزرگ در ژوئیه سال ۲۰۰۲ و بازگشت لیلا و پایان خشکسالی در ۲۰۰۳ (ب: ۳۷۰ و ۳۸۹) و بسیاری از تاریخ‌های دقیق دیگر، نشانه تلاش حسینی برای مستند کردن وقایع داستانی است. حتی از تاریخ برای تیتراژ برخی قسمت‌ها بهره برده‌است؛ برای مثال، تیتراژ «مارس ۱۹۸۱» (الف: ۱۲۱) و تیتراژ «فرمونت، کالیفرنیا، دهه ۱۹۸۰» (الف: ۱۳۸) یا «کابل، بهار ۱۹۸۷» (ب: ۱۰۱) و «آوریل ۲۰۰۳» (ب: ۳۸۹) وجه رئالیستی این رمان‌ها را قوت می‌بخشد.

## ۲-۳-۳. محیط و صحنه‌سازی

حسینی با توصیف صحنه‌ها و مکان‌های طبیعی و واقعی، داستان‌هایش را مستند و به رئالیسم نزدیک می‌کند. او هیچ صحنه‌ای را تصادفی توصیف نمی‌کند، بلکه با توصیف صحنه به افکار و مفاهیم

صورت واقع می‌بخشد؛ نمونه‌ای از توصیف‌های فراوان محیط در بادبادک‌باز:

«به سمت غرب و به سمت محله کرته‌سه در حرکت بودیم، از مسیری که در دهه هفتاد جزو شاهراه‌های اصلی بود: جاده می‌وند. در شمال مسیر ما رودخانه خشکیده کابل بود. روی تپه سمت جنوب دیوار مخروبه شهر دیده می‌شد. در شرق آن قلعه بلاحسره بود. قلعه‌ای قدیمی که دوستوم، فرمانده جنگ، در سال ۱۹۹۲ اشغال کرده بود؛ این قلعه بر روی رشته‌کوه‌های شیردوازده بود» (الف: ۲۶۹).

و نمونه‌ای از هزار خورشید تابان:

«این پنجره به سمت شمال است. این کوه روبه‌رو که می‌بینی اسمش اسمای است، سمت چپی هم کوه علی‌آباد. دانشگاه درست توی دامنه همین کوه واقع شده. پشت سرمان مشرقه و کوه شیردروازه آنجاست...» (ب: ۶۱).

شهرهایی چون کابل یا محلاتی مانند شهر نو و برخی مکان‌ها مانند استادیوم قاضی که محل اعدام و اجرای مجازات در زمان طالبان بوده، در هر دو رمان تکرار و توصیف شده است (الف: ۲۹۳؛ ب: ۳۵۲).

## ۲-۳-۴. شخصیت در رمان رئالیستی

تیپ‌سازی، استفاده از شخصیت‌های پویا و ایستا و توصیف دقیق شخصیت‌ها از ویژگی‌های شخصیت‌پردازی داستان‌های رئالیستی است که در این دو رمان مشاهده می‌شود.

**الف) تیپ‌سازی:** شخصیت نوعی یا تپیک «نماینده یک طبقه اجتماعی، یک نژاد یا حرفه است» (اسکولز، ۱۳۷۷: ۲۱). شخصیت‌های رمان رئالیستی اغلب نوعی‌اند و در عین حال، عادات و صفاتی منحصر به فرد دارند. رئالیسم شخصیتی را برمی‌گزیند که بیشترین جنبه نمایندگی داشته باشد تا واقعیت فردی و جهانی را بهتر مجسم کند و مظهر حقایق کلی و شئونی باشد که موقعیت انسان را در یک مرحله معین تاریخی نمودار سازد (پرهام، ۱۳۵۳: ۵۰-۵۳). حسینی این اصل را به خوبی در شخصیت‌پردازی هر دو رمانش به کار برده است. در بادبادک‌باز امیر از قوم پشتون است و حسن و خانواده‌ش از قوم هزاره که «چهره‌شان تمام خصوصیات این قوم را داراست» (الف: ۱۱). آنچه در رابطه این دو و پدرانشان بازگو شده است، تکرار استیلای پشتون‌ها بر هزاره‌هاست. امیر درباره پدرش می‌گوید:

«پدرم از نیروهای خلقی بود. یک پشتون افسانه‌ای، با ریش پرپشت، یک دسته موی فرفری قهوه‌ای نافرمان که مانند خود پدرم سرکش بود، دست‌هایی که می‌توانست یک درخت بید

را از ریشه در بیاورد و نگاه نافذ و خیره‌کننده‌ای که به قول رحیم، خان شیطان در مقابلش زانو می‌زد» (الف: ۱۵).

«مردی که دنیا را سیاه و سفید می‌دید و خودش تصمیم می‌گرفت که چه چیزی باید سیاه باشد و چه چیزی سفید» (الف: ۱۸).

رشید همچون پدر امیر با «چشمان مرطوب و خون‌گرفته، دندان‌های به هم فشرده... پیشانی بسیار کوتاه و موهایی زبر و خاکستری» (ب: ۵۶)، نماینده مردان پشتون در هزار خورشید تابان است. ویژگی‌های ظاهری، اخلاقی و رفتاری او از زمانی که زندگی مشترکش با مریم شروع شد (ب: ۵۹) تا زمانی که به دست مریم به قتل رسید (ب: ۳۳۷)، در گفت‌وگوها و صحنه‌ها توصیف شده است. «سلطه و اقتدار این مرد به نظر مریم مثل کوه‌های سفیدپوش مشرف بر گل‌دامن بود» (ب: ۷۱).

مادر امیر در *بادبادک‌باز* نماینده زنان تحصیل‌کرده و فرهیخته، مدرس دانشگاه و از نوادگان خانواده سلطنتی است (الف: ۱۸). در *هزار خورشید تابان* شخصیت لیلا شباهتی با او دارد. پدر لیلا مردی فرهیخته و مدرس بود و برایش آینده‌ای درخشان آرزو می‌کرد؛ اما جنگ زندگی لیلا را به تباهی کشاند. با اتمام جنگ او به رؤیای پدر جامه عمل پوشاند و به تدریس پرداخت (ب: ۳۹۴). شخصیت‌های تپیک در هر دو رمان بسیار است که به ذکر همین نمونه‌ها اکتفا می‌شود.

**ب) شخصیت‌های پویا و ایستا:** اخوت (۱۳۷۱: ۱۴۳) شخصیتی را که سرانجام دست به عملی تازه می‌زند، پویا و شخصیتی که عملی را چند بار انجام می‌دهد و این کار تا حدودی برایش عادت شده است، شخصیتی ایستا می‌نامد. شخصیت‌سازی پویا بیشتر مناسب داستان‌های بلند است که در آن شخصیت به آرامی تکامل می‌یابد. شخصیت ایستا یک‌سطحی و دارای یک صفت مشخص و شخصیت پویا همه‌جانبه و دارای ابعاد مختلف است (ولک و وارن، ۱۳۸۲: ۲۵۱). نویسنده رئالیستی ذهنیات قهرمانان خود را هم‌بسته با دنیای خارج می‌کند و همیشه رابطه ارگانیک و زنده بین تشنجات دنیای باطن و تضادهای جهان مادی را مقدم می‌شمارد؛ از این رو قهرمان‌های خود را در حال عمل و حرکت نشان می‌دهد (گران، ۱۳۷۵: ۴۱). در رئالیسم تحول و تکامل شخصیت‌ها تصادفی نیست و نتیجه دنیای بیرون است (پرهام، ۱۳۵۳: ۵۵). رفتارهایی که موجب تحولات تاریخی و اجتماعی است، پایه‌های فلسفی رئالیسم را تشکیل می‌دهد.

قهرمان در رمان‌های حسینی پویاست و نزد او «همیشه راهی برای جبران هست» (الف: ۴). امیر، قهرمان رمان نخست وی، کودکی بزدل است که دوست صمیمی‌اش را فدای منافع خود می‌کند و او را

در مقابل تجاوز آصف تنها می‌گذارد (الف: ۸۷)؛ اما پس از گذشت سال‌ها با تلنگری بیرونی متحول می‌شود و در نهایت برای جبران ضعف‌هایش، جسورانه خود را در دل خطر می‌افکند و با رنج بسیار، سهراب، فرزند حسن را از اسارت طالبان نجات می‌دهد (الف: ۲۹۸-۳۱۸).

در رمان دوم، مریم قهرمان داستان، فرزند نامشروعی است که از کودکی، تحقیر شده و در همان آغاز داستان با الفاظ رکیک مادرش معرفی می‌شود (ب: ۷). او اعتماد به نفس خود را پس از خودکشی مادرش از دست می‌دهد (ب: ۴۱) و بعد از ازدواج اجباری با رشید به جز تحقیر، تنبیه و توهین هیچ نمی‌بیند. تا آن‌که عاملی بیرونی، یعنی محبت لیلا و دخترش که همچون مریم فرزندی نامشروع است، او را متحول می‌کند و مادروار برای نجات لیلا از زیر شکنجه‌های بی‌امان شوهرشان که قطعاً منجر به مرگ لیلا می‌شد، رشید را به قتل می‌رساند (ب: ۳۳۷-۳۴۵) و بر سر این فداکاری جان می‌دهد. در این رمان لیلا نیز شخصیتی پویا دارد. او دختر زیبایی تاجیک است که در خانواده‌ای فرهنگی متولد شده است (ب: ۱۰۶). او تلاش می‌کند تا سرنوشت شومی که جنگ در مقابلش نهاده، تغییر دهد و سرانجام پس از تحمل مرارت فراوان و با فداکاری مریم به خواست خود می‌رسد و همانند پدرش به تدریس مشغول می‌شود (ب: ۳۹۵).

**ج) توصیف دقیق شخصیت‌ها:** بیان ویژگی‌های ظاهری و فرهنگی تیپ‌های شخصیتی در بادبادک‌باز بیشتر به صورت مستقیم و به زبان روای اول شخص است. شخصیت‌های اصلی داستان به دقت و با جزئیات توصیف شده‌اند. پدر امیر مهم‌ترین شخصیت در پیدایش داستان است و نقش کلیدی دارد؛ از همین رو در توصیف، جایگاه ویژه‌ای دارد و به مناسبت‌های مختلف با جزئیات توصیف شده است. در بررسی شخصیت‌های نوعی مثال‌هایی از آن ذکر شد. آصف از دیگر شخصیت‌های مؤثر است که از کودکی تا پایان داستان حضور دارد. او شخصیت ضدقهرمان است و نویسنده به کرات و به صورت مستقیم و مشروح توصیفش کرده است (الف: ۱۰۸).

شخصیت‌های اصلی دیگر نیز به صورت مستقیم و دقیق توصیف شده‌اند؛ برای نمونه در بادبادک‌باز، ثریا دختر مو مشکی افغان که مانند شاهزاده‌های قدیم ایرانی زیباست و امیر در آمریکا با او ازدواج می‌کند (الف: ۱۵۶). اجزای صورت زیبای لیلا در هزار خورشید تابان همانند ثریا به دقت توصیف شده است (ب: ۱۰۲). در همین رمان توصیف دقیق مریم، زن زشتی را تداعی می‌کند (ب: ۵۵). حتی شخصیت‌های فرعی که تنها یک بار در داستان حضور دارند، با نگاهی دقیق توصیف شده‌اند. در بادبادک‌باز مدیر یتیم‌خانه‌ای در کابل که سهراب را نگهداری می‌کند و حضوری مختصر در داستان

دارد، چنین توصیف شده‌است: «مردی بی‌مو، کوتاه قد و لاغر با ریش خاکستری... با کلاه عرقچین و عینکی که روی نوک بینی‌اش بود و پشت آن‌ها، چشمان ریز چون نخودش بین من و فرید در رفت‌وآمد بود» (الف: ۲۷۶). نکته جالب این است که در رمان دوم، مدیر یتیم‌خانه‌ای که دختر لیلا را به او سپردند همین‌گونه توصیف می‌شود: «مرد خمیده و لاغری بود... ریش شمالو و ژولیده‌ای داشت. چشمانش به‌اندازه نخود بود. عرق‌چین سرش می‌گذاشت و شیشه چپ عینکش لب‌پریده بود» (ب: ۳۰۱). وقتی توصیف دقیق شخصیت را با مکان یتیم‌خانه که در هر دو رمان «کرته‌سه» است مقایسه کنیم، احتمال وجود چنین مکانی با چنین فردی افزایش می‌یابد.

### ۲-۳-۵. تشریح جزئیات

تشریح جزئیات باعث می‌شود مخاطب دید واقع‌بینانه‌ای به داستان پیدا کند.

*«بالزاک تنها به این خاطر به توصیف جزئیات می‌پردازد که بتواند نیروهای نامجسم اجتماعی و اقتصادی را که در سیر زندگی افراد و حوادث مؤثر است، مجسم و نمایان سازد» (پرهام، ۱۳۵۳: ۳۶).*

در بادبادک‌باز تاریخ‌های دقیق و مکان‌های واقعی به‌صراحت با ذکر جزئیات بیان شده‌است که نمونه‌هایی از آن را در بررسی محیط و واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی مشاهده کردیم. توجه به جزئیات در توصیف شخصیت‌ها، حوادث و صحنه‌ها خواننده را به درک بیشتری از مسائل اجتماعی می‌رساند؛ برای نمونه، جملات زیر در توصیف افغانستان در زمان اشغال طالبان، تصویری روشن از وضعیت اجتماعی و اقتصادی ارائه می‌دهد:

*«سر هر چهارراه و خیابان دسته‌دسته دیده می‌شدند؛ با لباس‌های پاره و کهنه و دستان سیاه که برای گرفتن پول به هر سمتی دراز می‌شد و حالا اکثر گداها بچه بودند، لاغر با چهره‌های غم‌زده. برخی‌شان پنج یا شش سال بیشتر نداشتند. در دامان مادران برقع‌پوششان در کنار خیابان‌های شلوغ می‌نشستند و پشت‌هم می‌گفتند: «بخشش بخشش» و چیز دیگری که من کمی با تأخیر متوجه شدم: هیچ‌کدام از آن‌ها همراه یک مرد نبودند؛ جنگ پدرها را به کالایی نایاب در افغانستان تبدیل کرده بود» (الف: ۲۶۸-۲۶۹).*

حسینی از «صحنه‌سازی که در آثار رئالیستی صرفاً برای آشنایی بیشتر خواننده با وضع روحی قهرمان برگزیده می‌شود» (نوری کوتنایی، ۱۳۸۵: ۱۸۶)، به همین منظور استفاده کرده‌است؛ برای نمونه با توصیف جزئیات محیط زندگی آصف زمینه شناخت شخصیت مغرور و متفاوت وی را فراهم

کرده‌است (الف: ۴۳) یا بیان جزئیات کلبه فقیرانه حسن و اسباب حقیرانه آن، از شخصیت ساده، صمیمی، زبردست و مطیع او درک بهتری به مخاطب القاء می‌کند (الف: ۸). در رمان دوم نیز این ویژگی دیده می‌شود: با توصیف منزل وسیع و مجلل جلیل (ب: ۳۹ و ۴۳-۴۴)، شخصیتی ثروتمند را معرفی می‌کند و بر گناه بی‌مسئولیتی او در قبال مریم می‌افزاید یا با توصیف محیط زندگی رشید بخشی از شخصیت بی‌کس و خشن او را نشان می‌دهد (ب: ۵۹-۶۲).

تشریح جزئیات در داستان شامل اشخاص، محیط‌ها و وقایع نه‌چندان مهم نیز می‌شود. از تمام شخصیت‌های فرعی که اندک اسم و نقشی در داستان دارند، توصیف ظاهری دقیقی شده‌است؛ برای نمونه، محیط دفتر کار ریمون اندروز، مسئولی در سفارت آمریکا، با همه جزئیات تشریح شده‌است (الف: ۳۵۸).

## ۲-۴. مؤلفه‌های ناتورالیستی در *بادبادک‌باز* و *هزارخورشید تابان*

هرچند آثار حسینی، رئالیستی شناخته شده‌است و همان‌طور که مشاهده شد مؤلفه‌های رئالیسم در آن بارز است؛ اما گرایش‌های ناتورالیستی در انتخاب بعضی از شخصیت‌ها و بیان برخی حوادث و صحنه‌ها ما را بر آن داشت تا این رمان را از بُعد ناتورالیستی نیز بررسی کنیم.

«رئالیسم و ناتورالیسم هر دو به واقعیت موجود می‌پردازند و از تخیلات بی‌پایه می‌گریزند؛

ولی رئالیسم فساد و زشتی را منبعث از وجود انسان می‌داند؛ حال آن‌که ناتورالیسم فساد

جامعه را امری زیستی و رویدادی محتوم می‌شناسد» (دستغیب، ۱۳۴۹: ۲۸۶).

نقش مسائل جنسی، جبر و توارث در این رمان‌ها پررنگ است و جنگ و کشتار و فقر فرهنگی و درنهایت پذیرش و فرار از معرکه پرآشوب جامعه‌ای نیمه‌جان یا بدبختی‌های فراوان و سرانجام خودکشی یا اعدام، این مسئله را در ذهن مخاطب برجای می‌گذارد که برای چنین جامعه‌ای کاری نمی‌توان انجام داد. در ادامه مهم‌ترین ویژگی‌های ناتورالیستی در این دو رمان بررسی می‌شود.

### ۲-۴-۱. تشریح فجایع و زشتی‌ها

داستان با توصیف ناآرامی‌های افغانستان و با کودتای داوود خان و حمله ارتش سرخ، آغاز می‌شود و با درگیری‌های داخلی و خارجی تا چیره‌شدن طالبان بر کابل ادامه می‌یابد، در این رمان‌ها نویسنده مستلزم بازگرددن فجایع جنگی است. خالد حسینی گاه فقط بر این فجایع متمرکز می‌شود و جزء به جزء آن‌ها را شرح می‌دهد. در *بادبادک‌باز*، صحنه‌های دلخراش اعدام و نابسامانی‌هایی که از جنگ و حضور طالبان دیده می‌شود، تنها صحنه‌های داستان در زمان بازگشت شخصیت اصلی داستان

پس از سال‌های مدید به کابل است؛ برای مثال، خالد حسینی از اعدامیانی که با صورت باد کرده و کبود و لباس‌های پاره و خونین در معابر عمومی شهر برای چندین روز آویزان مانده و گویا برای مردم عادی شده‌اند (الف: ۲۸۳) یا از صحنه‌های دلخراش سنگسار در زمین فوتبال و وسط بازی (الف: ۲۹۵-۲۹۶) و صحنه‌های فراوان دیگری از درد و رنج و کشتارِ باورنکردنی با جزئیات و دقت می‌نویسد. همچنین جنگ تن‌به‌تن وحشیانه‌ی علی با آصف که یکی از فرماندهان طالبان است (الف: ۳۱۳-۳۱۷)، موبه‌مو با تشریح فضا و شخصیت و کنش‌ها نوشته شده‌است. این صحنه را می‌توان دلخراش‌ترین حادثه‌ی داستان دانست. به جز تشریح فجایع جنگی، توصیف زشتی‌های دیگر نیز چشمگیر است؛ برای نمونه، نشان‌دادن صحنه‌ی تجاوز آصف به حسن با توصیفی از زشتی محیط همراه است که بسیار رقت‌انگیز و نفرت‌بار است (الف: ۸۵). در جایی دیگر، نویسنده اتاق هتلی را که با قیمتی گزاف گرفته‌است، در وضعیتی بسیار آشفته و فرسوده و کثیف با تمام جزئیات مشتمل‌کننده‌اش توصیف می‌کند (الف: ۲۹۱).

تشریح فجایع جنگی بخشی از رمان *هزار خورشید تابان* را به خود اختصاص داده‌است. این فجایع جنگی از کودتای آوریل ۱۹۷۸ و تشکیل حکومت کمونیستی آغاز می‌شود (ب: ۹۶). پس از ده سال جنگ و تلفات فراوان که برادران لیلا نیز از شهدای آن بودند (ب: ۱۲۸)، مجاهدین پیروز می‌شوند (ب: ۱۵۰). با تشکیل دولت اسلامی افغانستان (ب: ۱۵۶) جنگ سهمگین قومی آغاز می‌شود و انفجارهای پیاپی، صحنه‌های بسیار دردناکی را در شهر به وجود می‌آورد که به بیان نمونه‌هایی مختصر از آن اکتفا می‌شود:

*«مادر گیتی در کوچه‌ای که او کشته شده بود، بالا و پایین می‌دوید و تکه‌های بدن دخترش را توی دامنش جمع می‌کرد و با حالتی عصبی جیغ می‌کشید. پای راست گیتی، سوخته و خون‌آلود، با جوراب نایلونی ساق‌کوتاه و کفش کتانی، دو هفته بعد روی بام خانه‌ای در آن نزدیکی پیدا شد» (ب: ۱۶۹).*

در جنگ حکمت یار و مسعود و موشک‌باران‌های پیاپی، چهره‌ی زشت و دهشتناکی از شهر تصویر شده‌است:

*«اجساد می‌هست که صبح باید تکه‌های آن‌ها را جمع‌آوری کرد. البته بعضی از آن‌ها را می‌شد، بعضی دیگر نه. آن‌گاه سگ‌های کابل که ذائقه‌شان با گوشت انسان آشنا شده بود، ضیافتی برپا می‌کردند» (ب: ۱۷۷).*

این فجایع تا روی کار آمدن طالبان و شکنجه‌گری و ددمنشی آن‌ها ادامه می‌یابد (ب: ۲۳۹-۲۴۲) و



۱۶۰-۲۶۶)؛ «صحنه‌هایی مربوط به دست‌بریدن، شلاق‌زدن، به دار آویختن و گردن‌زدن» (ب: ۲۶۸) در این رمان همگی صحنه‌هایی ناتورالیستی است.

تشریح فجایع و زشتی‌ها منحصر به صحنه‌های جنگ نیست و رفتارهای خشونت‌بار و دور از باور رشید با همسران خود، بخش زیادی از این صحنه‌ها را رقم می‌زند. وحشیانه‌ترین آن زمانی است که پلیس لیلا و مریم را که می‌خواستند از خانه بگریزند، به خانه باز می‌گرداند و رشید چند روز آن دو را به همراه دختر خردسالش تا حد مرگ شکنجه می‌کند (ب: ۲۵۰-۲۵۹). همچنین تشریح بیمارستانی که لیلا فرزند دوم خود را در آن به دنیا می‌آورد، از زشت‌ترین و رقت‌انگیزترین صحنه‌های رمان است (ب: ۲۷۲-۲۷۸). حتی محیطی چون رستورانی که رشید و مریم در اوایل ازدواج برای تفریح به آنجا رفتند، بسیار زشت و آزاردهنده توصیف شده‌است (ب: ۷۲).

#### ۲-۴-۲. جبر توارث و محیط

«انسان از نظر ناتورالیست‌ها حیوانی است که سرنوشت او را وراثت، محیط و لحظه تعیین می‌کند. این تصور مایوس‌کننده باعث محرومیت انسان از هرگونه اختیاری و هر نوع مسئولیتی در قبال اعمالش می‌شود؛ چراکه اعمال او صرفاً نتیجه اجتناب‌ناپذیر عمل نیروها و شرایط مادی کاملاً خارج از اراده او شمرده می‌شود» (فورست و اسکرین، ۱۳۷۵: ۲۷).

ناتورالیست‌ها انسان را تابع نیروی اجتماعی و اقتصادی حاکم بر طبقه می‌دانند (داد، ۱۳۸۵: ذیل واژه «ناتورالیسم»).

در افغانستان تفرقه اقوام مختلف و نابرابری همواره بحران‌ساز بوده‌است و شاعران و نویسندگان از دیرباز برای اتحاد اقوام قلم فرسوده‌اند:

«وای از ملتی که دست قرون/ کرده اجزایشان به هم مقرون// شود آن ازبک و دگر تاجیک/  
این یکی دور و آن دگر نزدیک// ما که تاریخ مشترک داریم/ از چه در اصل و فرع شک  
داریم// آن هزاره که می‌برد یک بار/ بهتر از صد وزیر رشوت‌خوار» (خلیلی، ۱۳۷۲: ۱۸۳).

در آثار خالد حسینی نیز جبر وراثت و محیط به‌روشنی نمود یافته‌است. می‌توان این رمان‌ها را به دو بخش تقسیم کرد: در ابتدا، داستان افغانستانی آزاد و آرام و امن و پس از آن داستان ناامنی، ویرانی و جنگ؛ اما در هر دو دوره، تبعیض نژادی و سلطه پشتون‌ها بر هزاره‌ها یا تاجیک‌ها و سلطه و ظلم مرد بر زن انکارناپذیر است و از ابتدای رمان سایه سنگین جبر بر داستان‌ها چیره‌است.

در *بادبادک‌باز* امیر پس از بیان خاطرات کودکی‌اش با حسن، اعتراف می‌کند که با وجود

صمیمیت، هرگز حسن را دوست خطاب نکرده‌است؛ چون تاریخ و مذهب را نمی‌توان انکار کرد: «در نهایت من یک پشتون بودم و او یک هزاره، من سنی بودم و او شیعه و هیچ‌چیز این واقعیت را تغییر نمی‌داد، هیچ‌چیز» (الف: ۲۹). جامعه و دوستان دیگر نیز دوستی پشتون با هزاره را بر نمی‌تابند (الف: ۴۶). حسن و پدرش همیشه زیردست بودند و حتی بی‌سوادی برای حسن جبری تغییرناپذیر بود: «حسن هم مانند علی و اکثر هزاره‌ها درست از زمان تولد و شاید همان لحظه که در رحم صنوبر شکل گرفته بود، این سرنوشت برایش رقم خورد که بی‌سواد بماند» (الف: ۳۲). به‌طور کلی در افغانستان «هزاره‌ها به‌واسطه شیعه‌بودن در مضیقه‌اند؛ به‌ویژه درمقابل پشتون‌ها در معرض تبعیض قرار دارند و در تاریخ افغانستان با آن‌ها به‌عنوان برده، رعیت، خدمتکار و تابع رفتار می‌شده‌است» (عابدوف، ۱۳۹۵: ۲۴). در این رمان حتی در اجرای قوانین مدنی بی‌عدالتی حاکم است و پشتون‌ها برتری دارند (الف: ۲۸). سال‌ها بعد همین تبعیض‌نژادی در افغانستان آرام، به نسل‌کشی در افغانستان جنگ‌زده انجامید؛ به‌گونه‌ای که طالبان، هزاره‌ها را به جرم شیعه‌بودن در مزار شریف قتل عام کردند (الف: ۲۳۶).

در هزار خورشید تابان جبر بر سراسر داستان سایه‌افکنده‌است. ستم بر قوم هزاره و تحقیر تاجیک‌ها از سوی پشتون‌ها، درگیری‌های نژادی فراوانی را رقم می‌زند (ب: ۱۲۲ و ۱۶۲-۱۶۸). وضعیت جنگی حاکم بر این رمان و خشونت بی‌حد نسبت به زنان، محیط بسیار آسیب‌زایی را برای زنان بی‌پناه ساخته است؛ به‌گونه‌ای که زن بی‌پناه را «می‌دزدنش و بهش تجاوز می‌کنند و گلایش را می‌برند و می‌اندازنش کنار جاده» (ب: ۲۰۳).

بیماری، از دیگر وجوه جبر در داستان‌های ناتورالیستی است. علی یک نوع فلج مادرزاد در ماهیچه‌های پایین صورتش داشت و فلج اطفال، پای راست او را به یک تکه پوست و استخوان پیچ‌خورده و تحلیل‌رفته تبدیل کرده بود (الف: ۱۰) و حسن لیبی شکافته‌شده داشت (الف: ۲۹) و این عیوب مایه تمسخر آنان بود. مادر مریم از صرع رنج می‌برد که در رمان به «جن‌زدگی» تعبیر شده‌است و این بیماری تمام زندگی او را تحت تأثیر قرار داده بود (ب: ۱۴).

## ۲-۴-۳. مسائل جنسی

در آثار ناتورالیستی مسائل جنسی همیشه مطرح است و یکی از انتقادهایی که به آن وارد است به‌سبب طرح مسائل جنسی است (شمیسا، ۱۳۹۸: ۱۰۳). در دو رمان *بادبادک‌باز* و *هزار خورشید تابان* نقطه شروع و اساس حوادث بر خیانت جنسی استوار است. در رمان اول غریزه جنسی، پدر امیر را وادار به خیانت می‌کند. او با صنوبر همسر علی، هزاره‌ای که مستخدمش است، درمی‌آمیزد و نتیجه آن تولد

فرزندی به نام حسن می‌شود و کل داستان حول همین موضوع می‌چرخد. برای این خیانت توجیهاتی در گفت‌وگوی اشخاص نهفته است: «اندام و سوسه‌برانگیز و قدم‌های موزون صنوبر مردان را به خیانت و گناه می‌کشید» (الف: ۱۰). «در جوانی واقعاً تماشایی بود. لبخند که می‌زد صورتش چال می‌افتاد و راه‌رفتنش مردها را به جنون می‌کشید» (الف: ۲۳۲). در هیچ‌جای رمان جمله‌ای در نکوهش این خیانت نوشته نشده است. حتی وقتی پرده از این راز می‌افتد، امیر فقط معترض است که چرا به او دروغ گفته‌اند: «من سی‌وهشت سالم است و تازه فهمیدم تمام زندگی‌ام یک دروغ کثیف و بی‌شرمانه بوده است!» (الف: ۲۴۶). گویا از نظر او و دیگر نزدیکان، خیانت ارباب پشتون به خدمتکار هزاره‌اش هیچ گناهی محسوب نمی‌شود.

در این رمان گاه مسائل جنسی به صورت کودک‌آزاری دیده می‌شود؛ مانند تجاوز آصف نوجوان به حسن در کودکی (الف: ۸۶) و تجاوز آصف در بزرگسالی هنگامی که عضو طالبان است به سهراب، فرزند حسن (الف: ۳۰۶). رفتارهای آصف تأثیرات طولانی‌مدتی بر سهراب دارد که تا مدت‌ها پس از آزادی سهراب از اسارت طالبان نیز ادامه می‌یابد. احساس سهراب به خوبی در کلماتش جاری است: «من خیلی کثیفم، پر از گناه... آن‌ها کارهایی می‌کردند... آن مرد بد و آن دو نفر دیگر... کارهایی می‌کردند...» (الف: ۳۴۸) که همین احساس ناخوشایند منجر به خودکشی او می‌شود (الف: ۳۷۶).

در کتاب *هزار خورشید تابان* نیز ارباب خانه، با داشتن سه زن و نه فرزند مشروع، به خدمتکارش تجاوز می‌کند و از این رابطه نامشروع مریم متولد می‌شود (ب: ۷-۱۱). مادر مریم پس از تحمل رنج‌های فراوان خود را حلق‌آویز می‌کند (ب: ۴۱) و مریم از سر ناچاری، به ازدواج با رشید تن می‌دهد. این ازدواج در واقع تجاوزی مشروع است. او پس از تحمل سال‌ها شکنجه و توهین و حقارت، شوهرش را می‌کشد و طالبان او را اعدام می‌کنند (ب: ۳۵۵). لایلا همسر دوم رشید نیز در حالی مجبور به ازدواج با رشید می‌شود که بارداری نامشروع از معشوقش را پنهان کرده و رشید برای تصاحب او دسیسه‌ای شیطانی چیده است (ب: ۱۹۲-۲۰۴).

## ۲-۴-۴. شخصیت‌های ناتورالیستی

«ناتورالیسم معتقد به جبر است، بنابراین اشخاص در این گونه داستان‌ها در وضعی گرفتار می‌آیند که نه بر آن اختیار دارند و نه قادر به تغییر آن هستند» (رادفر و حسن‌زاده میرعلی، ۱۳۸۳: ۲۹). چنین اشخاصی نمی‌توانند پویا باشند و اغلب با پذیرش وضعیت و تن‌دادن به جبر ایستا باقی می‌مانند. در رمان *بادبادک‌باز* و *هزار خورشید تابان* تنها شخصیت‌های پویای مؤثر در روایت، به ترتیب امیر و مریم هستند

که پیش از این شرح داده شد. بیشتر شخصیت‌ها در این دو رمان منفعل و ایستا و نزدیک به شخصیت‌های ناتورالیستی‌اند. پدر امیر در آغاز فعال و تأثیرگذار به نظر می‌رسد (الف: ۱۴-۱۶)؛ اما او نیز تحت جبر، وراثت و محیط است. ویژگی‌های مردان مستبد پشتون در او بارز است. با آن که فردی وطن‌پرست معرفی شده است؛ اما در زمان بحران، افغانستان را ترک می‌کند (الف: ۱۲۱) و به آمریکا می‌گریزد (الف: ۱۳۸). علی، خدمتکار هزاره‌ای، از قوی‌ترین شخصیت‌های ناتورالیستی است. او با پذیرفتن جبر و اختلاف طبقاتی و نژادی، تجاوز ارباب خود به همسرش را نادیده می‌گیرد و فرزند نامشروع زنش، حسن، را بزرگ می‌کند. حسن نیز زورگویی‌های امیر را می‌پذیرد و همواره ساکت و مطیع است و حتی تهمت دزدی را هم به جان می‌خرد (الف: ۱۱۷). آصف شخصیت ضدقهرمان این رمان از کودکی به نژادپرستی، تجاوز و وحشی‌گری معروف است (الف: ۴۳). او افغانستان را سرزمین پشتون‌ها می‌داند و هزاره‌ها را تحقیر می‌کند (الف: ۴۶ و ۸۶). ذاتی کثیف و اصلاح‌ناپذیر دارد و در بزرگسالی یکی از فرماندهان سنگ‌دل طالبان است (الف: ۳۰۷).

در رمان *هزار خورشید تابان* مادر مریم زنی رنج‌کشیده و طرد شده است که به گناه نکرده مجازات‌انزوا را تحمل می‌کند. او با دختر نامشروعش، پانزده سال در کلبه‌ای حقیر و دورافتاده با فقر و تنهایی سر می‌کند و سرانجام بیرون همان کلبه خود را به دار می‌آویزد (ب: ۷-۴۱). در رمان *هزارخورشید تابان* جلیل، پدر مریم، با تجاوز جنسی به خدمتکار خود و بی‌تفاوتی در مقابل سرنوشت دخترش شخصیتی منفی، منفعل و ایستاست.

رشید قوی‌ترین شخصیت ناتورالیستی این رمان است. او پشتونی با رفتارهای خشن و مناسب و همسو با محیط است و به سرعت با طالبان هم‌رنگ می‌شود. رشید که شدیداً به داشتن فرزند پسر تمایل دارد (ب: ۸۳)، پس از سقط‌های مکرر همسرش (ب: ۹۳) چهره سرخورده و بسیار خشن و وحشی خود را آشکار می‌کند و همواره به دنبال بهانه‌ای برای شکنجه همسرش است؛ مثلاً برای نشان دادن نارضایتی از غذا، مشتی سنگ در دهان زنش می‌ریزد و او را به جوییدن سنگ‌ها وامی‌دارد و صحنه رقت‌بار شکسته شدن دندان‌های همسرش او را راضی می‌کند (ب: ۹۸)؛ برای فرار نکردن همسرانش از خانه آن‌ها را زندانی می‌کند، به سختی کتک می‌زند و روزها آن‌ها را بی‌آب و غذا نگه می‌دارد (ب: ۲۵۵-۲۵۹) و زمانی که از حضور مردی در خانه آگاه می‌شود، با شکنجه‌هایی وحشیانه انتقام می‌گیرد و قصد خفه کردن زن دومش را دارد که مریم، زن اولش، وارد عمل می‌شود و شوهر را می‌کشد (ب: ۳۳۱-۳۳۸). «اگرچه مریم لحظات زیبا و خوبی را در زندگی دیده و تجربه کرده؛ ولی اکثر عمرش را در

بدبختی و تیره‌روزی سپری کرده‌بود» (ب: ۳۵۴). او نتیجه تجاوزی ناجوانمردانه به مادرش بود و در تمام عمر با خفت و حقارت، مهر حرامزادگی بر پیشانی داشت. مریم یاد گرفته بود در مقابل تحقیر، توهین و سرزنش رشید مقاومت کند (ب: ۲۲۸)؛ زیرا هیچ راهی برای تغییر این سرنوشت شوم نداشت.

### ۳. نتیجه‌گیری

یکی از بارزترین ویژگی‌ها در دو رمان *بادبادک‌باز* و *هزار خورشید تابان* توجه به مسائل اجتماعی و رابطه انسان و جامعه است. بیان وقایعی؛ چون جنگ و مهاجرت، سنت‌ها و آیین‌ها و تحولات اجتماعی و اقتصادی در پی تغییرات سیاسی از جنبه‌های قوی رئالیستی این دو رمان است. ناآرامی‌های افغانستان از سال ۱۹۷۳ و آغاز جنگ شوروی با افغانستان، تا چیره‌شدن طالبان بر کابل در سال ۱۹۹۶ و خرابی‌های پس از آن، با روایت داستان‌ها آمیخته است. دقت در توصیف مکان‌های واقعی، صحنه‌ها و محیط‌های طبیعی، همراه با زمان تقویمی دقیق، روایتی مستندگونه ارائه می‌دهد و وجه رئالیستی داستان را قوت می‌بخشد. شخصیت‌های داستان نمایندگانی از مردان مستبد، زنان ستم‌کشیده و اقوام و مذاهب مختلف جامعه‌اند. در این دو رمان از جزئیات شخصیت‌های پویا و ایستا، محیط و حوادث مرتبط با آن‌ها توصیف دقیقی ارائه شده است.

گرایش‌های ناتورالیستی در انتخاب شخصیت‌ها، حوادث و صحنه‌ها بسیار بارز است. در هر دو رمان نقطه شروع حوادث خیانت جنسی است و ادامه داستان براساس آن شکل می‌گیرد. اشخاص این رمان‌ها گرفتار جبر محیط و وراثت‌اند. در کنار همه مؤلفه‌های ناتورالیستی، کنش قهرمان در وضعیت نابه‌سامان، قوی‌ترین وجه ناتورالیستی رمان است. او جامعه را در ابتدال رها می‌کند و فقط برادرزاده خود را از میان بحران بیرون می‌کشد و در سایه امنیت آمریکا پایان خوشی را برای او رقم می‌زند؛ چنین به نظر می‌رسد که قهرمان داستان هیچ راه‌حلی برای انبوه مشکلات کشورش متصور نیستند. قهرمان در *هزار خورشید تابان* با ارتکاب به قتل می‌خواهد قدم مثبتی بردارد؛ اما خود قربانی می‌شود. این کتاب از همان صفحه نخست تا چند سطر پایانی آکنده از ناامیدی، ناامنی، خشونت و جنگ و کشتار است، اما پایان رمان با آنچه در *بادبادک‌باز* آمده، متفاوت است. در سطور آخر کورسویی از امید بر پیکر بی‌جان افغانستان می‌تابد. به‌طور کلی مؤلفه‌های بسیار قوی و بارزی از رئالیسم در ظاهر این رمان‌ها مشاهده می‌شود که قطعاً آن را جزو ادبیات رئالیستی قرار می‌دهد؛ اما با نگاهی ژرف می‌توان در لایه‌های زیرین آن‌ها اندیشه‌های ناتورالیستی را حاکم دید. وضعیت سیاسی اجتماعی و فرهنگی

افغانستان که جنگ‌های خونین و نابه‌سامانی اقتصادی و امنیتی را رقم زده‌است، از عمده دلایل حضور مؤلفه‌های ناتورالیستی در این دو رمان محسوب می‌شود. همچنین به‌نظر می‌رسد مهاجرت نویسنده و سال‌ها غربت و سکونت در غرب در به‌وجود آمدن چنین گرایشی بی‌تأثیر نبوده‌است. بررسی مکتب ادبی دو اثر دیگر خالد حسینی، *دعای دریا* و *وکوهستان به طنین آمد*، همچنین بررسی روانشناختی و اجتماعی این آثار که از برجسته‌ترین ادبیات داستانی معاصر افغانستان است به پژوهشگران علاقه‌مند پیشنهاد می‌شود.

### کتابنامه

- اخوت، احمد. (۱۳۷۱) *دستور زبان داستان*، چاپ اول. اصفهان: فردا.
- اسکولز، رابرت. (۱۳۷۷) *عناصر داستان*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز.
- پرهام، سیروس. (۱۳۵۳) *رئالیسم و ضد رئالیسم*. تهران: انتشارات نیل.
- ثروت، منصور. (۱۳۸۵) *آشنایی با مکتب‌های ادبی*، چاپ اول. تهران: سخن.
- پاینده، حسین. (۱۳۸۹) *داستان کوتاه در ایران؛ داستان‌های رئالیستی و ناتورالیستی*. ترجمه سعید شبزیان مزدآبادی. تهران: رهنما.
- حسینی، خالد. (۱۳۹۶) *بادبادک‌باز*، چاپ دوم. ترجمه آرا جواهری. تهران: یاقوت کویر.
- حسینی، خالد. (۱۳۹۷) *هزار خورشید تابان*، چاپ دوم. ترجمه بهناز پیاده. تهران: راه معاصر.
- خلیلی، خلیل‌الله. (۱۳۷۲) *مجموعه اشعار خلیل‌الله خلیلی*. به کوشش مهدی مدائنی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- داد، سیما. (۱۳۸۵) *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، چاپ سوم. تهران: انتشارات مروارید.
- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۴۹) *هنر و واقعیت*، چاپ اول. تهران: مرکز نشر سپهر.
- رادفر، ابوالقاسم؛ حسن‌زاده میرعلی، عبدالله. (۱۳۸۳) «نقد و تحلیل وجوه تمایز و تشابه اصول کاربردی مکتب‌های ادبی رئالیسم و ناتورالیسم». *فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی*، شماره ۳، صص ۲۹-۴۴.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۹) *نقد ادبی*، جلد اول و دوم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- زینی‌وند، تورج؛ مرتضایی، سیده کلثوم. (۱۳۹۵) «بازتاب شرایط اجتماعی زنان افغانستان در رمان *هزار خورشید باشکوه*». *فصلنامه دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه*، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۷-۳۴.
- سرانجام، امین؛ دشتی، سیدمحمد؛ محمدی، محترم. (۱۳۹۹) «درهم‌تنیدگی ناتورالیسم و «نیست‌انگاری» (نهیلیسم) در آثار صادق چوبک»، *مجله ادبیات داستانی*، دانشگاه رازی، دوره نهم، شماره ۴، صص ۱-۲۰.

- سیدحسینی، رضا. (۱۳۹۸) *مکتب‌های ادبی*، جلد اول، چاپ بیست و دوم. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۸) *مکتب‌های ادبی*، چاپ دوازدهم. تهران: نشر قطره.
- عابدوف، داداجان. (۱۳۹۵) *آداب، آیین‌ها و باورهای مردم افغانستان*. ترجمه بهرام امیراحمدیان. تهران: ندای تاریخ.
- علوی، فریده. (۱۳۸۲) «پژوهشی در سیر تحول رئالیسم داستانی: از شارل سورل تا نیکلا رتیف». *مجله پژوهش‌های زبان‌های خارجی*، بهار و تابستان ۱۳۸۲، شماره ۱۴، صص ۸۳-۱۰۸.
- علیزاده موسوی، سیدمهدی. (۱۳۸۱) *افغانستان؛ ریشه‌یابی و بازخوانی تحولات معاصر*. قم: کیش مهر.
- فتوحی رودمعجنی، محمود؛ صادقی، هاشم. (۱۳۹۲) «شکل‌گیری رئالیسم در داستان‌نویسی ایران». *مجله جستارهای ادبی*، شماره ۱۸۲، پاییز ۱۳۹۲، صص ۱-۲۶.
- فردیش، ورنر؛ هنری ملون، دیوید. (۱۳۸۸) *چشم‌انداز ادبیات تطبیقی غرب از داتنه تا پوجین اونیل*. ترجمه نسرین پروینی. تهران: سخن.
- فورست، لیلیان؛ اسکرین، پیترو. (۱۳۷۵) *ناتورالیسم*. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- کونال، لورل. (۱۳۸۳) *افغانستان*. ترجمه فاطمه شاداب. تهران: ققنوس.
- کهنویی‌پور، ژاله؛ خطاط، نسرین دخت؛ افخمی، علی. (۱۳۸۱) *فرهنگ توصیفی نقد ادبی (فرانسه-فارسی)*، چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گران، دیمیان. (۱۳۷۵) *رئالیسم (واقع‌گرایی)*، چاپ اول. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- لوکاج، گئورگ. (۱۳۷۳) *پژوهشی در رئالیسم اروپایی*، چاپ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- معبودی، فرحناز؛ مؤذنی، علی محمد. (۱۳۹۷) «نقد اجتماعی-سیاسی رمان *بادبادک‌باز* به روش ساختگرایی گلدمن». *مجله متن‌پژوهی ادبی*، سال ۲۲، شماره ۷۵، صص ۱۰۶-۱۲۸.
- نوروزی، زینب؛ اسلام، علیرضا؛ جعفری، سید علیرضا. (۱۳۹۳) «تحلیل جامعه‌شناختی شخصیت در رمان *بادبادک‌باز*». *مجله متن‌پژوهی ادبی*، سال ۱۸، شماره ۶۰، صص ۱۴۵-۱۷۴.
- نوری کوتنایی، نظام‌الدین. (۱۳۸۵) *مکتب‌ها، سبک‌ها و جنبش‌های ادبی و هنری جهان تا پایان قرن بیستم*، چاپ چهارم. تهران: نشر زهره.
- ولک، رنه؛ وارن، آوستن. (۱۳۸۲) *نظریه ادبیات*، چاپ دوم. مترجمان ضیاء موحد و پرویز مهاجر. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هی‌من، آنتونی. (۱۳۶۴) *افغانستان در زیر سلطه شوروی*. ترجمه اسدالله طاهری. تهران: شباویز.

## References

- Abedov, D. (2016) *Customs, Mirrors, and Beliefs of the Afghan People*, translation by Bahram Amirahamdian, Tehran: Nedaye Tarikh. (In Persian)
- Okhovat, A. (1992) *the Grammar in Stories*. First Edition, Isfahan: Farda.
- Alavi, F. (2003) *Research in the Evolution of Fictional Realism: From Charles Sorrell to Nicola Ratio*, Journal of Foreign Language Research, Spring and Summer 2003, No. 14, pp. 83-108.
- Alizadeh Mousavi, M. (2002) Afghanistan; Rooting and rereading contemporary developments, Qom: Kishmehr.
- British (2008) British Book Awards for “A Thousand Splendid Suns” for Richard & Judy Best Read of the Year Retrieved from BBC News  
at <https://www.bbc.co.uk/programmes/b0088pj8>
- Choice (2013) Goodreads Choice Award Retrieved from  
<https://www.goodreads.com/choiceawards/best-fiction-books-2013>.
- Connal, L. (2004) *Afghanistan*, translation by Fatemeh Shadab, Tehran: Ghoghhus. (In Persian)
- Dad, S. (2006) *Dictionary of Literary Terms*, Third Edition. Tehran: Morvarid.
- Dastgheib, A. (1970) *Art and Reality*, First Edition, Tehran: Sepehr.
- Exclusive (2004) Exclusive Books Boeke Prize, Rosa Parks Biography; Academy of Achievement. (February 26, 2010) Retrieved at June 3, 2014, from  
<https://www.achievement.org/autodoc/page/par0bio-1>
- Fotouhi Rudmajjani, M. and Sadeghi, H. (2013) *the Formation of Realism in Iranian Fiction*, Journal of Literary Essays, No. 182, pp. 1-26.
- Friedrich, W. and Henry Mellon, D. (2009) *Perspectives on Western Comparative Literature from Dante to Pogin O'Neil*, translation by Nasrin Parvini, Tehran: Sokhan. (In Persian)
- Forrest, L. and Screen, P. (1996) *Naturalism*, translation by Hassan Afshar, Tehran: Markaz. (In Persian)
- Grant, D. (2009) *Realism*, translation by Hassan Afshaar, First Edition, Tehran: Markaz. (In Persian)
- Golden Plate (2008) Golden Plate Award of the American Academy of Achievement Retrieved from <https://achievement.org/achiever/khaled-hosseini>.
- Hayman, A. (1985) *Afghanistan under Soviet domination*, translation by Assadollah Taheri, Tehran: Shabaawiz. (In Persian)
- Hosseini, Kh. (2017) *Kite Runner*, translation by Ara Javaheri, Second Edition, Tehran: Yaghoot Kavir. (In Persian)
- Hosseini, Kh. (2018) *A Thousand Splendid Suns*, Translation by Behnaz Piadeh, Second Edition, Tehran: Rah-e Moaser.
- Hosseini, Kh. (2021) Khaled hosseini site in: <https://khaledhosseini.com/book-facts>.
- Kahnooipour, J; Khatat, N; Afkhami, A. (2002) *Descriptive Culture of Literary Criticism (French-Persian)*, First Edition, Tehran: Tehran University Press.



- Khalili, Kh. (1993) *Khalilullah Khalili Poetry Collection*, by Mehdi Madaini, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.
- Lukacs, G. (2004) *Research in European Realism*, First Edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Maboudi, F. and Moazani, A. (2019) *Socio-Political Critique of "The Kite Runner" using Constructivist Method by Goldman*, Journal of Literary Text Research, Volume 22, pp. 106-128.
- Nowruzzi, Z. and Islam, A. and Jafari, A. (2014) *Sociological analysis of personality in "The Kite Runner"*, Journal of Literary Research, Volume 18, pp. 145-174.
- Nouri Kotanaei, N. (2006) *Schools, styles and literary and artistic movements of the world until the end of the twentieth century*, Fourth Edition, Tehran: Zohreh.
- Oxford Dictionary (2005) *Oxford Advanced learner's Dictionary*. 7th Edition. Oxford: Oxford University Press.
- Payande, H. (2010) *Short Story in Iran; Realist and naturalist stories*, translation by Saeed Shabzian Mozdabadi, Tehran: Rahnama. (In Persian)
- Radfar, A. and Hassanzadeh Mir Ali, A. (2004) *Critique and Analysis of Differences and Similarities in Applied Principles in Literary Schools of Realism and Naturalism*, Journal of Literary Research, No. 3, pp. 29-44.
- Saranjam, A. and Dashti, M. and Mohammadi, M. (2020) *The Entanglement of Naturalism and Nihilism in the Works of Sadegh Chubak*, Journal of Fiction, Razi University, Volume 9, No. 4, pp. 1-10.
- Seyed Hosseini, R. (2019) *Literary Schools*, Volume 1, Twenty-Second Edition, Tehran: Negah.
- Shamisa, S. (2019) *Literary Schools*, Twelfth Edition, Tehran: Qatreh.
- Sense* (2008) Book Sense Book of the Year Awards for A Thousand Splendid Suns for Adult Fiction, Retrieved from <https://www.goodreads.com/award/show/290-book-sense-book-of-the-year-award>
- Silver* (2008) California Book Award Silver Medal, retrieved from <https://www.goodreads.com/award/show/3873-exclusive-books-boeke-prize>
- Parham, S. (1974) *Realism and anti-realism*. Tehran: Nile Publications.
- Serwat, M. (2006) *Introduction to Literary Schools*, First Edition, Tehran: Sokhan.
- Scholes, R. (1998) *Elements of fiction*. Translation by Farzane Taheri. Tehran: Markaz. (In Persian)
- Volk, R. and Warren, A. (2003) *Literary Theory*. Translation by Zia Movahed and Parviz Mohajer. Second Edition. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Zarinkub, A. (2010) *Literary Criticism*, Volumes 1 and 2, Tehran: Amirkabir Publishing Center.
- Zinivand, T. and Mortezaei, K. (2015) *The Reflection of the Social Conditions of Afghan Women in the Novel of the Magnificent Thousand Suns*, Quarterly Journal of Razi University, Fourth Year, No. 14, pp. 17-34.